



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نواهی

تاریخ: ۶/ مهر/ ۱۳۹۹

موضوع جزئی: تنبیهاات اجتماع امر ونهی - تنبیه اول - عبادات مکروهه - قسم اول مصادف با: ۹ صفر ۱۴۴۲

راه حل های هفتم و هشتم و نهم و بررسی آنها - قسم دوم از عبادات مکروهه

جلسه: ۱۱

سال دوازدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در قسم اول از عبادات مکروهه تا کنون شش راه حل ذکر شد و نظر مختار نیز در این رابطه بیان گردید. چند راه حل نه چندان قابل توجه نیز در این مسئله ذکر شده که برای تکمیل بحث به آنها اشاره می‌کنیم و وارد در قسم دوم می‌شویم.

#### راه حل هفتم

برخی برای حل این مشکل و به تعبیر خودشان جمع بین اخبار مجوزه و اخبار مانعه فرمودند: روایاتی که دلالت بر استحباب می‌کنند، حمل بر استحباب روزه ناقص می‌شوند، منظور از روزه ناقص یعنی صورت صوم، یعنی اینکه مثلاً از صبح تا عصر روزه بگیرند و روزه را تا مغرب ادامه ندهد، این نقصان هم می‌تواند از نظر شکلی باشد و هم از نظر محتوایی باشد، به این معنا که مثلاً مکلف قصد قربت نکند، اما روایاتی که دال بر منع از روزه روز عاشورا هستند حمل بر روزه کامل می‌شوند و دلالت می‌کنند بر اینکه اگر روزه به نحو کامل و تام باشد، روزه باطل است. یعنی کانه روزه ناقص مستحب است و روزه کامل باطل است و روایات به این دلیل از آن نهی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### بررسی راه حل هفتم

این راه به حسب ظاهر تعارض بین اخبار و مشکله مذکور را ممکن است حل کند ولی بحث در این است که، اولاً: باید روایات مانعه حمل بر نهی تحریمی شود، یعنی نهی در این عبادات باید حمل شوند بر نهی تحریمی مولوی، زیرا در این صورت است که می‌توان بطلان صوم را از آن نتیجه گرفت.

ثانیاً: این راه ممکن است تعارض بین اخبار را برطرف کند ولی اصل مشکل را حل نمی‌کند، یعنی کانه در این مورد می‌خواهد بگوید: اصلاً عبادت مکروه نداریم، یعنی در قسم اول این را انکار کند، چه اینکه بعضی از بزرگان نیز این نظر را اختیار کرده‌اند که اساساً معتقدند که روزه روز عاشورا نه تنها استحباب ندارد بلکه حرام است، زیرا به نوعی تشریح محسوب می‌شود و معتقدند که روایات منع، ناظر به این مورد هستند و صوم روز عاشورا را منع می‌کنند.

چه بیان برخی از بزرگان را منطبق بر فرمایشات محقق ثانی و شهید ثانی و امثال ایشان بدانیم و چه اینها را متفاوت بدانیم بالاخره یک مبنا و یک نظر این است که اساساً صوم روز عاشورا مستحب نیست و نه تنها استحباب ندارد بلکه باطل است و اگر کسی این کار را بکند بنا بر به برخی از تعبیرات حرمت دارد و حرمت نیز از ناحیه تشریح پدید آمده. حال عرض کردم که این مستلزم آن

<sup>۱</sup> جامع المقاصد، ج ۳، ص ۸۶؛ مسالک، ج ۲، ص ۷۸؛ ریاض المسائل، ج ۵، ص ۴۶۳.

است که این نهی را نهی مولوی تحریمی بدانیم و لازمه آن این است که به طور کلی این قسم از عبادات را منکر شویم لکن این دیگر راه حلی برای محذور عبادات مکروهه نیست، بلکه در واقع پاک کردن صورت مسئله است. ما می‌خواهیم ببینیم علی فرض عبادیت عبادت، اگر روایتی یا دلیلی از آن منع می‌کند، چطور می‌توانیم این عبادت را بگوییم می‌شود انجام داد اما مکروه است؟ سخن در توجیه کراهت است که چگونه با عبادیت قابل جمع است، البته این هم یک راه است که کسی بگوید اصلاً این عبادیت ندارد و نهی را حمل بر نهی مولوی تحریمی کند.

### راه حل هشتم

راه دیگری نیز در این مقام بیان شده است و آن اینکه روایاتی که دلالت بر جواز می‌کند ناظر به صوم، حزن است و روایاتی که دلالت بر منع می‌کند، صوم شکر را منع کرده است. یعنی کأنه اگر کسی به عنوان حزن روزه بگیرد مستحب است و اگر به عنوان شکر و به شکرانه پیروزی روزه بگیرد، مکروه است.

### بررسی راه حل هشتم

در این بیان اساساً صوم روز عاشورا هم مستحب دانسته شده و هم مکروه، اصلاً موضوع بحث ما این بود که صوم روز عاشورا نه بما انه یوقع فی هذا الیوم، یتحقق فی هذا الیوم، بل بما أنه فعل فی یوم من ایام السنه، مستحب؛ آن ادله‌ای که روزه را مستحب قرار داده است، روزه هر روز سال را مستحب قرار داده است که یک روز از آن روزها، روز عاشورا است و الا روزه روز عاشورا بما انه یوم العاشور هیچ خصوصیتی ندارد تا بخواهد مستحب قرار داده شود آن هم به عنوان حزن و ادله به هیچ وجه مساعد این معنا نیست و اینکه می‌فرماید اگر صوم به عنوان شکر واقع شود این مکروه است، خب این هم در واقع هم با ظاهر این ادله سازگار نیست و هم با فرض و مفروض مسئله ما سازگار نیست، فرض ما این است که این روزه من حیث فعل شخص، در این روز همانند روزهای دیگر مستحب است، اما بعنوانه، بعنوان روز عاشورا مکروه است، این راه و این بیان اساساً با مفروض مسئله ما متفاوت می‌شود یعنی کأنه روزه روز عاشورا می‌تواند هم به عنوان شکر و هم به عنوان حزن واقع شود در حالیکه فرض این است که روزه این روز (از آنجا که در روایات و ادله که قضیه بنی‌امیه و تشبه به آنها را مطرح کرده است) نفس صوم فی هذا الایوم، چه به عنوان حزن واقع شود و چه غیر آن، این مذموم دانسته شده و نفس این کار تشبه به بنی‌امیه دانسته شده و از آن نهی شده است اینکه حالا للحنن باشد او للشکر، این قصدهایی است که تأثیری در تحقق عنوان ندارد، اگر کسی آن روز روزه بگیرد ولو حزناً، از نظر ظاهر فعل او تشبه به بنی‌امیه دارد، هرچند بگوید من قصد نکردم، لذا به نظر می‌رسد این راه هم قابل قبول نیست، یعنی راه حل هشتم مثل راه حل هفتم مردود است و نمی‌توانیم آن را قبول کنیم.

### سوال

استاد: ما نیز گفتیم چه قصد حزن باشد و چه نباشد، این عمل تشبه می‌شود و مذموم واقع شده است، یعنی این مسئله تابع قصد نیست، شما می‌خواهید بگویید که حتی اگر صوم بدون قصد قربت هم بگیرد، یعنی مطلق الامساک ولو من دون قصد القربه که موجب تحقق عنوان تشبه می‌شود، باز هم مستحب است.

به هر حال راه حل هفتم و هشتم قابل قبول نیست.

### راه حل نهم

عرض کردیم بعضی از بزرگان در این مقام فرمودند که آنچه درباره این قسم از عبادات مثل صوم روز عاشورا گفته شده است مبتنی بر این است که اساسا به استحباب روزه این روز ملتزم شویم، یعنی فرض ما این باشد که روزه این روز مستحب است در حالیکه ما معتقدیم روزه این روز اساسا استحباب ندارد، اگر کسی قائل شد به اینکه روزه این روز مستحب نیست دیگر نوبت به این بحث‌ها نمی‌رسد که چگونه قابل توجیه است و بعد برویم سراغ آن مطالبی که بیان شد. به نظر بعضی از بزرگان روزه روز عاشورا نه تنها مستحب نیست بلکه حرام است و کانه تشریح و بواسطه همین است که اصلا ما می‌گوییم روزه این روز مستحب نیست. ایشان معتقد است روایات مانعه حمل می‌شود بر این معنا که اساسا روزه این روز استحباب هم ندارد.<sup>۱</sup>

### **بررسی راه حل نهم**

آنچه که ایشان فرموده است در واقع همان راه حل هفتم است، یعنی ریشه‌اش همان مطلبی است که محقق ثانی و شهید ثانی فرمودند و یک راه حل مستقلی نیست و پاسخ و اشکال نیز نسبت به این راه همان است که در راه حل هفتم گفته شده و فرقی با آن ندارد منتهی تعبیرات با هم فرق می‌کند ولی ظاهرا این راه همان راه است و به همان جهت نیز مبتلی به اشکال است.

### **نتیجه کلی بحث در قسم اول**

پس نه راه حل در مورد عبادات مکروهه ذکر شد، از این نه راه حل به جز راه حل چهارم و پنجم و ششم بقیه راه‌ها مبتلی به اشکال هستند. از بین این سه راه حل نیز همان طور که دیروز عرض کردیم راه حل ششم مقبول است، راه چهارم و راه پنجم هر چند فی نفسه محذوری ندارند اما در عین حال همانطور که عرض کردیم که نقص دارند و کامل نیستند و احتیاج به متمیم دارند، لذا در قسم اول به نظر می‌رسد راه قابل قبول این است که ما نهی متعلق به روزه روز عاشورا را حمل بر ارشاد کنیم و بگوییم این ارشاد می‌کند به ترک تشبه، ارشاد می‌کند به اینکه روزه ترک شود چون فعلش موجب تشبه است.

هذا تمام الکلام فی القسم الاول من الاقسام الثلاثه من العبادات مکروهه

### **قسم دوم از عبادات مکروهه**

قسم دوم از عبادات مکروهه عباداتی است که در آن نهی متعلق شده به خود عبادت ولی بدل برای آن عبادت موجود است، مثل نماز در حمام، فرق این قسم با قسم اول تنها در بدل داشتن و بدل نداشتن است و الا از سایر جهات فرقی با هم ندارند. محقق خراسانی در توجیه این قسم از عبادات فرمودند: همان سه راهی که در قسم اول گفتیم، طابق النعل بالنعل در این قسم جاری می‌شود، به علاوه یک راه چهارم، آن سه راهی که در قسم اول جاری بود و اینجا نیز جاری می‌شود، بحشش گذشت و دیگر آنها را تکرار نمی‌کنیم،

در راه اول صوم روز عاشورا مصداق یک عنوانی قرار گرفته که آن عنوان منهی عنه است و آن هم تشبه است یا به عبارت دیگر نهی چون به معنای طلب ترک است، اینجا طلب می‌کند ترک صوم را، زیرا ترک صوم مصداق و فردی از افراد مخالفت با بنی‌امیه است، سپس از راه تراحم مستحبین خواستند این مشکل را حل کنند.

راه دوم نیز همان راه اول بود با این تفاوت که دیگر مسئله انطباق در آن مطرح نیست، بلکه مسئله ملازمه مطرح است که تفصیلا توضیح دادیم.

<sup>۱</sup> منتهی الاصول، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

راه سوم نیز حمل نهی تنزیهی بر ارشاد است. ایشان می‌گویند: راه سوم نیز اینجا جاری می‌شود.

جریان راه اول و دوم در قسم دوم یعنی نماز در حمام مشکلی ندارد. راه سوم، یعنی حمل کردن نهی تنزیهی بر ارشاد، یعنی بگوئیم این نهی ارشاد می‌کند به ترک طبیعت مأموریه، یعنی می‌خواهد بگوید ترک این طبیعت مصلحت و ثوابش بیش از اتیان به این طبیعت است، لازم نیست ارشاد به تشبه کنیم، اصل ارشادی بودن نهی و اینکه مرشدالیه چیست، دیروز بیان شد همانطوری که در صوم روز عاشورا گفتیم چگونه این نهی ارشاد می‌کند به ترک تشبه، در نماز در حمام نیز باید این را تقریر کنیم که چطور می‌شود لاتصل فی الحمام به عنوان یک نهی تنزیهی حمل بر ارشاد شود و ارشاد کند به ترک مأموریه، مأموریه اینجا چیست؟ مأموریه نماز در حمام است، کأنه لاتصل فی الحمام نهی می‌کند از این طبیعت، ارشاد می‌کند به ترک این طبیعت و اینکه این ارشاد می‌کند ولی ارشاد به ترک نماز در حمام، به این عنوان که نماز در خارج حمام ثوابش بیشتر است و این ثوابش کمتر است. مهم این است که طبق راه حل سوم نهی به ترک طبیعت مأموریه می‌خورد و این نهی ارشادی است و ارشاد می‌کند به اینکه مصلحت موجود در سایر افراد بیشتر است و این مصلحت و ثوابش کمتر است، مرشد الیه آن ترک طبیعت مأموریه است. محقق خراسانی می‌فرماید: این راه نیز در قسم دوم جاری می‌شود، طبق فرمایش محقق خراسانی تصویر این راه مشکلی ندارد.

#### راه حل چهارم

راه چهارم در نماز در حمام در قسم اول جاری نمی‌شود. گفتیم در قسم اول یک بیان برای نهی ارشادی برایش می‌توان بیان کرد و آن این است که در قسم دوم، مرشد الیه اتیان الطبیعه فی ضمن سایر المصادیق است، مرشدالیه دیگر ترک طبیعت مأموریه نیست، وقتی می‌گوید لاتصل فی الحمام، این نهی تنزیهی در واقع ارشاد می‌کند به اینکه سایر افراد مصلحت و ثواب بیشتری دارند. در واقع ارشاد می‌کند مکلف را به اینکه نماز در خارج از حمام حال یا منزل یا مسجد، ثواب و مصلحت بیشتری دارد و خود ترک نماز مرشد الیه نیست، بلکه راهنمایی می‌کند مکلف را به سایر افراد آن هم بواسطه مصلحت بیشتری که در این افراد وجود دارد. این بیان در قسم اول جاری نیست، زیرا اینجا نهی ارشاد می‌کند به اتیان به سایر افراد یا همین طبیعت با سایر خصوصیات.

#### ان قلت

اگر نهی تنزیهی را در مثل لاتصل فی الحمام حمل بر ارشاد کنیم و بگوئیم معنایش ارشاد و راهنمایی به اقلیت ثواب هذا الفرد و اکثریت ثواب سایر الافراد است، لازمه‌اش این است که همه افرادی که دارای درجات مختلفی هستند به جز افضل الافراد، مکروه باشند، طبق این بیان در واقع لاتصل فی الحمام می‌گوید نماز در حمام ثوابش کمتر است، ما را ارشاد می‌کند به سایر افراد برای تحصیل ثواب بیشتر، این کراهت به این معنا است، نماز در حمام مکروه است یعنی ثوابش کمتر است، اگر این باشد در همه مستحبات، اعمال مستحبی یا در اکثر آنها ملاحظه می‌فرمایید که درجات مختلف دارند، یعنی یک فرد اعلاء دارد که افضل افراد است و بقیه افراد ثوابشان و مصلحتشان کمتر از افضل افراد است، لازمه حرف شما این است که تمام افراد پایین‌تر از فرد افضل مکروه شوند، زیرا همه آنها ثوابشان اقل از آن افضل افراد است، پس اشکال این است که این بیان و تقریر از نهی ارشادی در مثل نماز فی الحمام یک تالی فاسد دارد و آن اینکه در همه مواردی که مستحبات دارای افراد مختلف هستند و یکی افضل از سایر افراد است، پس باید بگوئیم غیر از آن فرد افضل همه مکروه هستند، یعنی ثوابشان کمتر است، ثواب فرد افضل از همه بیشتر است و سایر افراد باید همه مکروه شوند.

اینکه ما می‌گوییم اقلیت فی الثواب، نمی‌خواهیم بگوییم به طور کلی و به نحو مطلق ثوابش پایین است؛ معنای اقلیت فی الثواب در مقایسه با ذات العمل سنجیده می‌شود و مطرح می‌شود، اقلیت ثواب بالنسبة الی الطبيعية مأموره فی حد نفسها مد نظر است، یعنی خود طبیعت بدون انضمام یک مشخصاتی که موجب زیاده و یا نقصان آن شود، ملاک ثواب این فرد از آن فرد کمتر است و معنایش این نیست که همه افراد ما دون افضل ثوابشان کم شود به عبارت دیگر کم شدن ثواب را با آن طبیعتی در نظر می‌گیریم که نه چیزی در آن وجود دارد که مصلحتش را بیش از مقدارش ببرد و نه کم کند. طبیعت مأموره مثل نماز در خانه، با این سنجیده می‌شود، مثلاً یک فردی داریم نماز در خانه و یک فرد داریم نماز در حمام و یک فرد داریم نماز در مسجد، اقلیت فی الثواب بالنسبة به طبیعتی سنجیده می‌شود که هیچ تشخیصی به سبب برخی خصوصیات پیدا نکرده است تا مصلحتش بالا رود یا پایین بیاید. در مقایسه با آن ما می‌گوییم مصلحتش کمتر است.

ما اجمالاً نکاتی در مورد این راه حل گفتیم که باید بررسی کنیم و ببینیم آیا قابل قبول است یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»